تا آسمان

مراسم اربعین شهادت سردار اسدی برگزار می‌شود

مراسم اربعین شهادت مجاهد گمنام و اسطوره اطلاعات نیروهای مسلح و همسفر امام شهید امت در معراج شهادت سردار سرلشکر پاسدار شهید محمد صالح اسدی، معاون اطلاعات ستاد کل نیروهای مسلح و قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا(ص)، امروز دوشنبه سی‌ویکم فروردین‌ماه از ساعت ۱۶ تا ۱۷:۳۰ در مسجد پیامبر اعظم (ص) شهرک شهید محلاتی برگزار می‌شود. این سردار شهید ۹ اسفندماه سال گذشته در جلسه شورای عالی دفاع در دفتر رئیس دفتر نظامی فرمانده کل قوا و بر اثر حمله ارتش‌های تروریست آمریکا و اسرائیل به‌همراه جمعی از فرماندهان و امام شهید امت رضوان الله تعالی علیه به شهادت رسید. پیکر مطهر این شهید ۲۱ اسفندماه در زادگاهش شهر شیراز بر دوش مردم شهید‌پرور این شهر تشییع و در گلزار شهدای شیراز خاکسپاری شد. این شهید عزیز برادر سردار محمدجعفر اسدی است. وی از سال ۱۳۸۸ به‌عنوان معاون بازرسی قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیا فعالیت می‌کند و ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۸ فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران بود. اسدی فعالیت در سپاه پاسداران را از سال ۱۳۵۸ آغاز کرد و در طول جنگ عراق علیه ایران از فرماندهان میانی سپاه پاسداران بود و در فاصله سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۷ فرماندهی لشکر ۳۳ المهدی (استان فارس) را برعهده داشت.

به‌یاد سردار شهید سرلشکر علیرضا تنگسیری که بار دیگر عظمت خلیج‌فارس را به رخ جهانیان کشید

ژنرال بلامنازع دریاها

زهرا شکراللهی
گروه دفاع مقدس

بعضی نام‌ها بار تاریخ را بر دوش می‌کشند؛ نه‌فقط اسم که حماسه‌اند. تنگسیری، نامی است که از تنگسیر تنگستان برخاسته و در خاک‌وآب آبادان ریشه دوانده، نامی که هم بوی دریا می‌دهد و هم بوی باروت. علیرضا تنگسیری، کودکی که در طوفان و باران ششم فروردین در روستایی چسبیده به آبادان چشم به جهان گشود، سال‌ها بعد فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران شد. مردی که کوچه‌های تنگ آبادان را مثل کف دستش می‌شناخت، راه‌های دریایی را ره‌بانی می‌کرد و تنگه هرمز را زیر دید چشمان تیزبینش برد. بچه حسینیه‌های آبادان، نوجوان تظاهرات، رزمنده والفجر ۸ و فرماندهی که رزمایش خلیج‌فارس را به‌رخ جهان کشید در فهرست تحریم کنگره آمریکا نشست. این داستان اما پایانی غرورآمیز دارد. پایانی که نام تنگسیری را برای همیشه در کنار اسطوره‌های دریا و ایثار ثبت کرد؛ پایانی به‌وسعت خلیج‌فارس و به بلندای شهادت.

نام، خانوادگی و سرحد

ایرانی که باشی، هرجا بروی نام، خانوادگی، طایفه، شهرستان و سرحدت را هم می‌بری. تنگسیر نام آشناست برای ایرانیان؛ بخش ساحلی شهرستان تنگستان استان بوشهر، پهن‌دشت دستیاری. خانواده‌ای از این دیار قبل انقلاب به آبادان کوچیدند. نام‌شان، یادگاری از اصالت، روی‌شان ماند: تنگسیری.

ششم فروردین؛ روز نذر و تولد

زنی آبستن، عبای مشکی را روی تمام تکیدگی و لاغری تنش کشید. پا تند کرد؛ توی آستانه امامزاده سیدعباس ایستاد و نفس تازه کرد. ابرهای بُره‌بُره آسمان روز دوشنبه ۶ فروردین‌ماه را پوشاند. هوا شرجی تند نبود اما دم داشت. زن خلید توی سایه باریک کنار دیوار آجری. آخرین مهره کمرش تیر می‌کشید. به دیوار تکیه داد. عبایش را تکاند. تمام تنش گرگرفته و بی‌تاب بود. دوشنبه آخرین روز، نذرش بود و باید ادا می‌کرد. لب‌های خشکش جنبید: یا سیدعباس، غریبم اما تندرست، این بارُم سبک بشینه زمین. باد داغی شورید توی صورت زن. راه رفته را برگشت به روستای اروند، چسبیده به آبادان.

غروب به نیمه‌شب نرسید که صدای جیغ زن زائو پیچید تا کناره‌های ساحل اروند. زنان آبادی جمع شده بودند کنار خانه همسایه تنگسیری‌شان. ابرهای بهاری، پربارش تافتند روی سربرگ‌های درخت نخل گوشه حیاط. باد طوفان شده بود و رعدوبرق توی تاریکی بیداد می‌کرد. صداها در هم پیچید. صدای جان‌دار گریه نوزادی تا نزدیکی ساحل اروند رسید. باران و وشَن بهار کاهید. صدای الله‌اکبر اذان صبح از روی بام خانه تنگسیری روستا را بیدار کرد. اولین روز به‌دنیا آمدن علیرضا، علیرضای تنگسیری، آسمان پرباران و زمین پربرکت بود.

آبادان؛ شهر نفت، آفتاب و انقلاب

علیرضا همراه بچه‌های آبادان قدکشید؛ شهر نفتی مدرن و شلوغ که لوله‌های عظیم فلزی‌اش زیر نور آفتاب می‌درخشیدند. با سه‌سوت پیاپیِ فیدوس پالایشگاه برمی‌خاست و راهی درس و مدرسه می‌شد. شیرجه‌زدن توی آب مواج اروند، سرگرمی و شیطنتش بود. غروب همراه پدر راهی حسینیه بهبهانی‌ها می‌شد. پابه‌پای پدر، پای منبر حاج‌آقاحجازی می‌نشست. شب دیگر معرکه در حسینیه اصفهانی‌ها بود. فریاد وامصیبت‌ها از دست شاه به آسمان. شب‌های عزاداری محرم توی حسینیه بوشهری‌ها حلقه می‌بست و سینه می‌زد. بعد از مراسم دسته‌دسته اعلامیه و کاست سخنرانی بین دشداشه‌ها ردوبدل می‌شد.

دم‌دمای انقلاب، کارگران پالایشگاه مدام اعتصاب می‌کردند. علیرضا همراه دوستانش به تظاهرات می‌رفت. چست‌وچالاکی‌اش به سن نوجوانی‌اش می‌چربید. به آنی از دست ماموران فرار می‌کرد. ماه‌های منتهی به انقلاب آبادان هر شب غوغا بود و تجمع. گرمای تفتیده خورشید توی دل تاریک شب جان داشت. در این بین، خبری دهان‌به‌دهان گشت: سینما رکس در شعله آتش می‌سوزد. علیرضا با بچه‌های حسینیه بوشهری‌ها پا تند کرد اما کار از کار گذشته بود. شهر بوی سوختن و جزغاله شدن، شور و شیون می‌داد.

آبادان و صنعت نفت و پالایشگاه ایستادگی کرد تا انقلاب پیروز شد. کشتی‌های عبوری اروند بوق پیروزی سر دادند. آبادان محل رفت‌وآمد حزب‌وشلوغی خلق عرب شد. علیرضا به کمک بچه‌های کمیته در تلاش برای تامین امنیت مرز و بازار و گذر آبادان بودند.

جنگ؛ اولین نفس‌های خاکستری

به‌یکباره که نه، یکهو خبر جنگ هوار شد. رژیم بعث عراق در شهریور سال ۵۹، تاخت به مرزهای ایران. علیرضا، کمک مردم را همراه جنگ کرد. گروه چریکی تشکیل داد. سنگر به سنگر، خیابان به خیابان، جلوی ارتش عراق ایستاد. تمام گذر و کوره‌راه را بلد بود. حملات پارتیزانی را مشق کارش کرد. همان زمان نیروی رسمی سپاه پاسداران شد. فتح خرمشهر را به‌چشم دید. طعم پس‌راندن عراقی‌ها را چشید.

سال ۱۳۶۳ همراه علی هاشمی، آبراه‌های هورالعظیم را زیر نظر گرفت. داستان عملیات خیبر ختم شد به تولد نیروی دریایی سپاه. علیرضا که ره‌بان راه‌های دریایی بود، به منطقه سوم دریایی ماهشهر منتقل شد.

عملیات به عملیات با قایق تندرو به آب می‌زد و راه را برای نفتکش‌های عراقی و کشتی حامل مهمات شلوغ می‌کرد.

اروند؛ رودخانه‌ای که خروشیدن گرفت

جنگ به آب‌های خروشان اروند و دریا رسید. راه شکست یک کشور دریاست. عراق هواپیمای «سوپر استاندارد» و موشک «اگزوسه» را از فرانسه خرید و راه دریا را برای ایران نا‌امن کرد. عبور نفتکش ایرانی میسر نبود. تهران بیانیه داد: امنیت یا برای همه یا هیچ‌کس. دم‌دمای عملیات والفجر۸ بود. علیرضا تنگسیری در رسته عملیات دریایی منطقه سوم یعنی ماهشهر رزمنده بود. رسته در حال نبرد برای کورکردن نقاط استراتژیک اسکله‌های عراق بودند. اروند وحشتناک می‌خروشید، موج آب با صدای مهیب به ساحل کوبیده می‌شد. قرار بود نیروها و ادوات به آن طرف اروند منتقل شوند. یدک‌کش دزفول به‌همراهی ابراهیم رستمی و رزمنده‌های منطقه یک، یعنی بندرعباس، به طرف اروند آمدند. شب عملیات قایق‌های تندروی موتوری از شش نقطه به‌صورت انفجاری از ساحل کنده شدند و به فاو حمله کردند. بعد از چندین‌روز مبارزه و نبرد، قایق جلوزن سکاندار، آتش را بر عراق گشود. ستون دود و آتش از اسکله البکر و الامیه عراق به آسمان سر ساییید. شهر نفت و نمک و حنا سقوط کرد و علیرضا با قایق تندرو، دور پیروزی زد.

۹ اسفند؛ روزی که طوفان آمد

روز شنبه، ۹ اسفند ۱۴۰۴ آمریکا و اسرائیل حمله موشکی به سرزمین ایران را آغازیدند. روز اول جنگ مدرسه شجره طیبه میناب به خاک و خون کشیده شد و بیت رهبری در تهران مورد اصابت موشک قرار گرفت و ناوشکن دنا به ساحل نرسید. پیچ‌وتابی افتاد در چین‌های عمیق و کشیده پیشانی سردار، اخم‌هایش را به‌هم درانند. باران گرفت و خروشید. تنگه هرمز را بست. دیگر مرد شیردل و دلیر ایرانی بود. قطارقطار موشک ایرانی رعشه بر آسمان اسرائیل انداختند. پایگاه نظامی آمریکا در خاورمیانه به خیش بسته شد. عرصه بر دشمن تنگ آمد.

بازگشت به ۶ فروردین اما این‌بار برای همیشه

روز ۶ فروردین خبری را باد به ایران آورد؛ بادی که دلشوره ساکنان زمین را بیشتر می‌کند. علیرضا تنگسیری، سرباز و سردار ایرانی چشمانش را در ساحل فیروزه‌ای خلیج‌فارس بست و به شهادت لبیک گفت.

تنگه ایستاده ماند. مرغان دریایی روی دیرک‌های کشتی آرمیدند. زنان بندر شروه خواندند. مردان بر دمام دمیدند. این ره‌بان خلیج بر قله استوار شهادت ایستاد. بوق نفتکش‌ها برای استقبال از پیکرش ۱۱ بار پی‌درپی نواخته شد؛ و یک ایران به سردار سلام نظامی داد.

برش

فرماندهی؛ از میدان نبرد تا فرماندهی خلیج‌فارس

جنگ هشت ساله تمام شد. فصل شوریدن شکوفه‌های بادام سرزمین ایران رسید و هنگامه سازندگی. علیرضا تنگسیری در نیروی دریایی سپاه ماند تا به جانشینی فرماندهی منطقه یکم نیروی دریایی رسید. و بعد فرماندهی و سال ۱۳۹۷ علیرضا تنگسیری سردار غیور از اهالی دلیر تنگستان و بزرگ‌شده شهر آبادان فرمانده شد، فرمانده نیروی دریایی. رزمایش بزرگ خلیج‌فارس را به‌رخ جهانیان کشید. چندماه بعد در لیست تحریم کنگره آمریکا قرار گرفت. سردار تنگسیری ادامه الگوی حملات پارتیزانی زمان جنگ ایران و عراق را گرفت و تنگه هرمز را زیر دید چشمان تیزبین برد. این معمار امنیت دریایی، بچه رزمنده زمان جنگ بود. وعده صادق ۱ و ۲ و ۳ شدت گرفت. زهر موشک ایرانی به حلقوم اسرائیل چشانده شد.

ایران

حکایت همدلی در نصف جهان

اصفهان با هم‌افزایی مردم، مسئولان و نهادها در بحبوحه تهاجمات، الگوی کمک و بازسازی شد

محمدرضا افشاری
گروه ایران

حملات اخیر ائتلاف آمریکایی-صهیونیستی و «دفاع مقدس سوم» نه‌تنها بار دیگر پایداری مردم ایران را در برابر فشارهای خارجی به نمایش گذاشت، بلکه آزمونی بزرگ برای شهرهای تاریخی ازجمله اصفهان بود؛ شهری که پس از تهران بیشترین حجم خسارت را تجربه کرد. طبق آمار رسمی، در پی حملات و بمباران‌های اخیر، بیش از ۱۵ هزار واحد مسکونی در استان اصفهان آسیب دیده و هزاران خانواده ناچار به ترک منازل خود شده‌اند. بااین‌حال، همان روحیه دیرینه ایثار و همراهی مردم اصفهان که در تاریخ معاصر بارها آزموده شده، این بار نیز عیان و به‌صورت خاص در قالب پویش مردمی «نذر خدمت» به نمایش درآمد؛ پویشی که طی آن ده‌ها خانواده اصفهانی خانه‌های خالی خود را بی هیچ چشمداشتی در اختیار همشهریان آسیب‌دیده قرار دادند. در کنار این تلاش مردمی، دستگاه‌های خدماتی، شهرداری، گروه‌های جهادی و مدیریت بحران استان به‌سرعت وارد عمل شدند. عملیات ارزیابی خسارت، تأمین اسکان اضطراری، بازسازی فوری واحدهای قابل مرمت و برنامه‌ریزی برای نوسازی کامل خانه‌های تخریب‌شده، همگی با هدف بازگرداندن آرامش به شهری صورت گرفت که شهره مقاومت در روزهای سخت است.

حملات هوایی ائتلاف آمریکایی ـ صهیونیستی که از ۹ اسفند سال گذشته آغاز شد و تا بامداد ۱۹ فروردین امسال ادامه یافت، اصفهان را در کانون حوادث قرار داد. انفجارها در مناطق شرق، شمال و بخش‌هایی از مرکز شهر نه‌تنها خانه‌ها را لرزاند، بلکه شبکه‌ای از خسارت‌های عمرانی، فرهنگی و اجتماعی را برجای گذاشت. طبق داده‌های رسمی استانداری، ۱۵ هزار واحد مسکونی در استان و بیش از ۶۰۰۰ واحد فقط در شهر اصفهان دچار آسیب شده‌اند. بخشی از این واحدها تخریب کامل و برخی دچار ریزش، شکست شیشه‌ها، ترک‌های سازه‌ای و آسیب‌های گسترده به تاسیسات داخلی شدند.

مدیرکل مدیریت بحران استانداری اصفهان، در تشریح جزئیات این وضعیت به جام جم می‌گوید: «بیش از ۶۲۸۹ واحد فقط در شهر اصفهان ارزیابی شده و تیم‌های ما در حال بررسی باقی واحدها هستند. علاوه‌براین، در شهرهای دیگر استان نیز حدود ۴۷۰ واحد مسکونی و تجاری آسیب دیده است. تلاش همه دستگاه‌ها این است که ارزیابی‌ها بدون وقفه انجام و بازسازی سریع آغاز شود.» منصور شیشه‌فروش با بیان این‌که هم‌اکنون بیش از ۲۰۰ نفر اسکان یافته‌اند و هدف ما جلوگیری از بروز بحران‌های اجتماعی و بازگرداندن آرامش به خانوارهاست، ادامه می‌دهد: «شهرداری با فعال‌کردن سامانه ۱۳۷ و تخصیص مکان‌های اسکان اضطراری، در کمتر از چند ساعت پس از نخستین حمله اقدام به پذیرش افراد آسیب‌دیده کرد.» به گفته این مسئول، در کنار خانه‌ها، ۱۴۹ مدرسه استان نیز آسیب دیده‌اند. شکست شیشه‌ها، تخریب سقف‌ها، شکاف و ترک روی دیوارها و ریزش بخش‌هایی از فضای آموزشی باعث شده تیم‌های بررسی شبانه‌روزی فعالیت کنند تا روند بازسازی مدارس در کمترین زمان آغاز شود. اما شاید دردناک‌ترین بخش خسارت‌ها، آسیب به میراث فرهنگی اصفهان باشد؛ آثاری چون میدان نقش‌جهان، مسجدجامع و تعدادی از بناهای دوره صفوی که ترک‌های جدی در سازه‌های تاریخی آنها گزارش شده است. مدیرکل بحران استان دراین‌باره می‌گوید: «این آسیب‌ها تنها خسارت عمرانی نیست، بلکه ضربه به هویت ملی ماست. حفاظت از میراث جهانی اولویت ملی است و نیازمند اعتبارات ویژه از وزارت میراث فرهنگی هستیم.»

مردم، میدان و پویش نذر خدمت

در روزهایی که دود و آوار از مناطق ۷، ۱۰ و ۱۴ هنوز فرو ننشسته بود، روایتی دهان به دهان نقل می‌شد و آن‌هم داستان شنیدنی و جذاب همبستگی مردم بود.

پس از آن‌که شهرداری اصفهان از شهروندان خواست با پیوستن به پویش نذر خدمت خانه‌های خالی خود برای اسکان آسیب‌دیدگان را معرفی و در اختیار آنها قرار دهند، موجی از مشارکت عمومی آغاز شد.

شهردار اصفهان می‌گوید: «تا امروز بیش از ۸۰ نفر از همشهریان خانه‌های خالی‌شان را داوطلبانه در اختیار پویش قرار داده‌اند. بدون همراهی مردم، امکان ادامه اسکان موقت وجود نداشت. برخی خانواده‌ها هنوز نمی‌توانند به منازل خود برگردند زیرا خانه‌های‌شان یا تخریب شده یا نیازمند بازسازی اساسی است.»

علی قاسم‌زاده درباره روند بازسازی واحدهای خسارت‌دیده هم توضیح می‌دهد: «بیش از ۹۰ درصد واحدهایی که دچار آسیب جزئی بودند وارد مرحله مرمت شده و طبق برآورد کارشناسی، ظرف دو هفته آینده تکمیل می‌شوند. ضمن این‌که در مناطقی که پیش‌تر به‌دلیل تهدیدهای مداوم امکان آغاز کار نبود، اکنون تیم‌های اجرایی فعال شده‌اند.»

او به نقش خیران و سازندگان اشاره و تصریح می‌کند: «در بخش‌هایی که نیاز به نوسازی کامل است، خیران، گروه‌های جهادی و انبوه‌سازان همراه شهرداری شده‌اند. براساس نظر کارشناسی، بازسازی برخی واحدها بین شش ماه تا دو سال زمان می‌برد.» شهردار بار دیگر تأکید می‌کند که مشارکت مردمی حیاتی است و می‌گوید: «از همشهریانی که خانه خالی دارند دعوت می‌کنیم در این اقدام انسانی شرکت کنند تا خانواده‌های آسیب‌دیده هرچه سریع‌تر از نگرانی اسکان رهایی پیدا کنند.»

حضور کارگروه‌های تخصصی

در ساختار مدیریت بحران اصفهان، بخش ارزیابی خسارت‌ها و سازمان‌دهی میدانی بر عهده ستاد اسکان و بازسازی اماکن مردمی آسیب‌دیده است.

دبیر اجرایی این ستاد، با بیان این‌که حجم تماس‌ها و گزارش‌های مردمی بی‌سابقه بوده به جام جم می‌گوید: «حدود ۱۴ هزار پیام در سامانه ۱۳۷ ثبت شده که ۱۰ هزار مورد آن مربوط به واحدهای مسکونی شهر اصفهان است. تاکنون حدود ۷۰۰۰ واحد بازدید و خسارت‌های آنها مشخص شده است. حدود ۳۰۰۰ واحد نیز به علت عدم حضور ساکنان یا مشکلات دیگر هنوز ارزیابی نشده‌اند.» سیدسلمان قاضی‌عسگر از اسکان اضطراری ۱۲۵۰ نفر در هتل‌ها و مراکز فرهنگیان خبر داده و اضافه می‌کند: «این افراد تا زمان تکمیل بازسازی‌های فوری در چند مرکز اسکان داده شده‌اند تا عملیات نصب شیشه، تعمیر در و پنجره و رفع آسیب‌های سطحی انجام شود. تاکنون ۵۰۰ واحد مسکونی به‌طور کامل بازسازی شده و شهروندان به خانه‌های‌شان بازگشته‌اند.» براساس گزارش‌ها، بیشترین خسارت‌ها در منطقه ۷ و کمترین در منطقه ۱۱ رخ داده و به گفته دبیر اجرایی ستاد، در ایام جنگ در بسیاری از مناطق مانند خیابان کاوه، محله قائمیه و بخش‌هایی از شمال شهر که تحت تهدید مستقیم بودند، امکان بازدید وجود نداشت، اما پس از برقراری سکوت در میدان نبرد، کار بازسازی با همراهی خیران، گروه‌های جهادی و انبوه‌سازان آغاز شد. قاضی‌عسگر با تاکید بر این‌که ۹۰ خانه با حمایت خیران به‌صورت رایگان در اختیار ستاد قرار گرفته می‌گوید: «این واحدها به خانواده‌هایی داده می‌شود که بازسازی منزل‌شان بیش از شش ماه زمان می‌برد. همچنین ودیعه مسکن نیز به خانوارهایی که منازل‌شان کاملا تخریب شده اختصاص یافته است.»

یادداشت

دکتر تورج حاجی رحیمیان | کارشناس مدیریت حکمرانی

«هویت» در آتش تهاجم

در تجربه‌های جهانی قرن بیستم و بیست‌ویکم، بارها ثابت شده که نخستین قربانیان جنگ، فقط انسان‌ها و زیرساخت‌ها نیستند، بلکه لایه‌های عمیق‌تری از «هویت» و «حافظه جمعی» نیز در معرض فرسایش و نابودی قرار می‌گیرند. رخدادهای اخیر و آنچه در دوران «جنگ تحمیلی ۴۰ روزه» بر آثار تاریخی ایران، به‌ویژه در اصفهان گذشت نمونه‌ای روشن از همین واقعیت است؛ واقعیتی که ضرورت بازنگری در سیاست‌های حفاظتی و مدیریتی را بیش از هر زمان یادآور می‌شود.

آمارهای رسمی نشان می‌دهد در جریان حملات اخیر، ۲۸ اثر تاریخی در استان اصفهان دچار آسیب شده‌اند و این خسارت‌ها دو اثر ثبت‌شده جهانی را نیز در بر گرفته است. میدان نقش‌جهان که یکی از مهم‌ترین میراث‌های تاریخی بشر به‌شمار می‌رود، در چند نقطه دچار صدمه شده و باغ چهلستون نیز از آسیب‌های مستقیم مصون نمانده است. در مسجد جامع عباسی، جداشدگی کاشی‌ها و گسیختگی‌های سازه‌ای به حدی رسیده که در برخی نقاط احتمال ریزش جدی وجود دارد؛ رخدادی که در شانزدهم اسفند ثبت شد. تنها دو روز بعد، عمارت‌های شکل‌دهنده دولت‌خانه صفوی نیز براثر اصابت موشک در مجاورت استانداری اصفهان آسیب دیدند؛ آثاری چون تالار اشرف، رکیب‌خانه، جبه‌خانه و بخشی از چهلستون هم از این حملات جان سالم به در نبردند. حتی عمارت سعدی با قدمتی نزدیک به یک قرن نیز از این تخریب‌ها بی‌نصیب نماند.

در سطح ملی، ۱۴۱ اثر تاریخی تحت‌تأثیر قرار گرفته‌اند؛ از کاخ گلستان تهران تا محوطه‌های ارزشمند خرم‌آباد، که این حجم از خسارات نشان می‌دهد در بحران‌های نظامی، میراث فرهنگی همواره در معرض تهدیدهای مستقیم و غیرمستقیم قرار دارند. موضوعی که اهمیت مدیریت ریسک، پیشگیری و تقویت زیرساخت‌های حفاظتی را برجسته‌تر می‌کند. ادبیات تخصصی نهادهایی چون ایکوموس، سال‌هاست بر ضرورت توجه به میراث فرهنگی در بحران‌ها تأکید دارد. تجربه ایران نیز از زلزله تا جنگ، گواهی است بر این‌که «مدیریت بحران در حوزه میراث» هنوز جایگاه واقعی خود را در ساختارهای تصمیم‌گیری پیدا نکرده است. با وجود نیروی انسانی متخصص و ظرفیت‌های بالای مرمتی در اصفهان و سایر استان‌ها، نبود اولویت‌بندی، مشکلات مزمن اعتباری و کمبود برنامه‌های پیشگیرانه باعث شده بسیاری از اقدام‌ها تنها جنبه واکنشی داشته باشد.

تقسیم خسارت‌ها به سه لایه «سطحی، میانه و شدید» نشان می‌دهد که بخشی از آثار به‌صورت مستقیم هدف قرار گرفته‌اند؛ برای نمونه، ساختمان ثبت‌شده مجلس سابق در تهران دچار ریزش سقف شده است. همچنین برخی بناهای شاخص مانند مسجد شیخ لطف‌الله در صورت تشدید درگیری‌ها در معرض تهدید جدی قرار می‌گیرد. این هشدارها بیانگر نیاز به آینده‌نگری بیشتر، ازجمله بررسی امکان جابه‌جایی مراکز حساس در مجاورت آثار تاریخی مهم، مانند استانداری در کنار چهلستون یا برخی ساختمان‌های اداری در اطراف کاخ گلستان است.

ناگفته نماند حفاظت از میراث فرهنگی تنها وظیفه نهادهای دولتی نیست؛ بلکه مسئولیتی اجتماعی و مشترک به شمار می‌رود. هر دانشجو، پژوهشگر، کاسب، فعال فرهنگی یا کارمند می‌تواند در تقویت فرهنگ حفاظت سهیم باشد. جهان باید بداند که آثار تاریخی، فراتر از مرزهای جغرافیایی، بخشی از میراث مشترک بشریت هستند. آسیب به میدان نقش‌جهان یا کاخ گلستان، فقط لطمه به تاریخ ایران نیست؛ صدمه‌ای است به حافظه فرهنگی همه مردم جهان و در مقابل، حفظ اصالت آثار، مرمت علمی و حتی نگهداشت بخش‌هایی از تخریب‌ها به‌عنوان «یادمان‌های درس‌آموز»، گوشه‌ای از یک مسئولیت تاریخی است.